

تربیت دینی در سیره امام حسین (ع) در واقعه عاشورا

راضیه بدیعیان^۱ - دکتر رضا علی نوروزی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان

۲- استادیار گروه آموزشی علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

خلاصه

به نظر می‌رسد پیچیدگی وجود آدمی و سطحی‌نگریهای منبعث از اندیشه‌های غیرالهی، تربیت انسان را به بیراهه کشانده است، در حالی که در تربیت الهی هدف آموزش و هدایت آدمی به سوی فلاح و رستگاری است. از این رو نویسندگان مقاله به شیوه تحلیلی به بررسی تربیت دینی در سیره امام حسین (ع) پرداخته و به این نتایج دست یافته‌اند که نهضت عاشورا به عنوان یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های سیره عملی امام حسین (ع) الگوی ارزشمندی در زمینه تربیت دینی است. هدایت و رشد انسانها در راستای تحقق حیات طیبیه اهداف تربیتی دینی در واقعه عاشورا است که تحقق آنها زمینه‌ساز دستیابی به هدف غایی تربیت دینی یعنی قرب الهی خواهد بود. توکل، تسلیم و رضا در مفهوم پویا و سازنده و عبادت آگاهانه و عزت نفس که صلابت و اقتدار در برابر دشمنان را به همراه دارد از جمله آثار تربیت دینی تجلی یافته در سیره امام است که مبین نقش تربیت دینی در سازندگی درونی انسانهاست. از سوی دیگر توجه به تفاوت‌های فردی انسانها در روند تربیت، کل‌نگری مثبت، عمل‌گرایی و احترام به حقوق دیگران از جمله اصول تربیت دینی در سیره امام حسین (ع) محسوب می‌شود.

e.mail:nowrozi@gmail.com

نویسنده مسئول: دکتر رضا علی نوروزی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

به بیان صریح قرآن، هدف غایی خلقت انسان عبادت است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» و پریان و آدمیان را نیافریدم مگر تا مرا [به یگانگی] بپرستند (۱)، چرا که ثمره عبادت، عبودیت است. عبد خدا بودن صبغه‌ایی است که شئون مختلف زندگی انسان را به رنگ الهی مزین می‌سازد و ثمره آن در مهار شهوات و دستیابی به علم توأم با تزکیه متبلور می‌گردد. کسب مقام عبودیت تنها در سایه تربیت صحیح محقق خواهد شد. «رشد در بدن انسان و مهارتهای جسمانی، در جنبه‌های عقلی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و دینی ظاهر می‌گردد» (۲)، بنابراین تربیت راهنمای جنبه‌های مختلف رشد شخصیت فرد یعنی جنبه جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی و دینی است.

تربیت دینی یکی از مهمترین زیرمجموعه‌های تربیت است. در واقع، این نوع تربیت که شامل پرورش بعد معنوی انسان و فراهم کردن زمینه ارتباط انسان با خداوند و در نهایت پرورش انسان برای رسیدن به قرب الهی است، می‌تواند سایر قلمروهای تربیتی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. بر همین اساس در سیره ائمه معصومین تربیت دینی از تربیت سایر ابعاد وجودی انسان تفکیک نشده است بلکه تربیت جسمانی، عقلانی، عاطفی، و اخلاقی در راستای تربیت دینی صورت می‌گیرد. نوشته حاضر سعی دارد ضمن بررسی سیره عملی امام حسین (ع) در جریان واقعه عاشورا، اصول تربیت دینی را در سیره ایشان بررسی کرده به ثمرات تربیت دینی در عملکرد ایشان بپردازد.

مفهوم‌شناسی تربیت دینی

«یکی از مشهورترین نظریه‌های معاصر درباره تربیت، از آن جان دیویی است. «او تربیت را بازسازی پی در پی تجربه می‌داند.» (۳)، به زعم علامه جعفری «این تعریف، تعریف جامعی نیست. نوسازی تجربه برای استمرار فعالیت تربیتی یک امر ضروری است، اما نمی‌تواند تعریفی برای تربیت محسوب شود، زیرا نوسازی تجربه در اسلام تحت عنوان تکاپو در معنی بخشیدن به حیات عنوان شده است.» (۴)، از منظر راغب اصفهانی «کلمه رب در اصل از ماده تربیت است و آن عبارت است از ایجاد شی برای حالی،

پس از حالی تا حد تمام و کمال». (۵)، به نظر می‌رسد بهتر است این تعریف برای شناخت اصیلترین عنصر تربیت مورد توجه قرار گیرد. از این رو می‌توان گفت که خلقت نیز در راستای تربیت است، چرا که می‌تواند آدمی را به سوی کمال سوق دهد. به زعم باقری: «مفهوم ربیت و ربانیت (از ریشه ر ب ب) برای نشان دادن ویژگیهای تربیت اسلامی از مفهوم (ی ر ب و) مناسبتر است. (۶) در واقع، با این تعریف مراد از تربیت ربوبی شدن و ربوبی ساختن آدمی است. با عنایت به تعاریف ارائه شده این‌گونه می‌توان گفت که تربیت دینی جزئی از تربیت در معنای عام نیست، بلکه غایت تربیت و یا تربیت مطلوب محسوب می‌شود زیرا هدف نهایی تربیت آن است که متربی خویش را ربوبی سازد. بنابراین تربیت مطلوب همان تربیت دینی است. از همین روست که برخی (۷) معتقدند «تربیت دینی به معنی اعم محدود به مسایل اعتقادی، معنوی و یا اخلاقی نمی‌شود بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی سیاسی، اعتقادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی در بر می‌گیرد و در یک کلمه شخصیت انسان را پوشش می‌دهد.» به زعم توماس برای تربیت دینی تعریف کاملی نمی‌توان ارائه داد با این حال وی تربیت دینی را این‌گونه تعریف می‌کند: «آموزش نظام‌مند و طراحی شده اعتقادی درباره هستی، قدرت برتر، مراسم دینی و عبادی، ارزشهای اخلاقی شخصی و اخلاقیات حاکم بر روابط انسانی و یافتن معنا و هدف زندگی». (۸)

تعاریف فوق‌مبین این نکته اساسی است که توجه به بعد ارزشی و اعتقادی جز لاینفک تربیت دینی است. با این وجود در فرهنگ منبعث از تعالیم اسلامی تربیت دینی، تربیت مطلوبی است که از جزئیترین مسایل زندگی تا مسایل عمده آن را در بر می‌گیرد و کل شخصیت انسان را پوشش می‌دهد زیرا تربیت دینی به معنای متخلق شدن به اخلاق الهی است که هدف بعثت تمام پیامبران می‌باشد.

به زعم هوشیار «تعلیم و تربیت فعل و انفعالی است میان دو قطب سیال که مسبق به اصلی و متوجه هدفی و مستلزم طرح و نقشه‌ای باشد». (۹)، بنابراین تعریف، اصل، هدف و طرح و نقشه‌ای که به منظور نیل به اهداف مورد نظر تنظیم شده است سه رکن اصلی تعلیم و تربیت محسوب می‌شود. در تربیت دینی به عنوان «جنبه‌ای از فرایند تعلیم و تربیت که ناظر به پرورش ابعاد شناختی، عاطفی و عملی متربی در راستای تحقق شخصیتی متدین است». (۱۰)، این سه رکن اساسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا با توجه به مشخص بودن هدف غایی تربیت دینی که همان دستیابی به قرب الهی است مربی باید با مطالعه زندگی فردی و جمعی متربیان و با امعان نظر در هستی آنها اصولی را که برای تعالی آنها یعنی وصول به هدف نهایی (قرب الهی) لازم است کشف نماید. (۱۱)، طراحی نقشه در راستای نیل به هدف نهایی اقدام بعدی مربی است. ثمره این تربیت، انسان رشد یافته‌ای است که کمالات اخلاقی در وجود او تبلور خواهد یافت بنابراین تربیت دینی را می‌توان در قالب الف) هدف ب) اصول ج) ثمرات آن بررسی کرد.

اهداف تربیت دینی

تربیت دینی در سیره امام حسین (ع) عبارت است از: اعمال عمدی و هدفدار ایشان که با توجه به شرایط موجود به منظور احیای آموزه‌های اسلامی و در راستای هدایت انسانها اعمال کرده‌اند. ایشان در آغاز حرکت انقلابی خود با مشخص کردن هدف خود که همان اصلاح امت رسول خدا بود بر بُعد تربیتی حرکت خود تأکید کردند. «انی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظلما و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی» (۱۲) تأکید امام بر اصلاح امت پیامبر مبین رویکرد تربیتی این حرکت عظیم است. که از یک سو جنبه اصلاحی و تربیتی دارد و از سوی دیگر با توجه به تأکید بر احیای سنتهای نبوی در راستای تربیت دینی صورت گرفته است.

«هدایت و رشد، حیات طیبه و تقوا مهمترین اهداف تربیت دینی در اسلام محسوب می‌شود». (۱۳)، این اهداف زمینه تحقق هدف غایی تربیت دینی یعنی قرب الهی را فراهم می‌نماید. «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی» که بر جنبه اصلاحی حرکت امام تأکید دارد بیانگر توجه امام به هدایت و رشد امت پیامبر به عنوان یک هدف تربیتی مهم است. سید الشهدا (ع) به عنوان یک هادی تنها به شناساندن راه اکتفا نمی‌نمایند بلکه ضمن طی طریق در راستای هدایت متربیان خود در اقصی نقاط جهان اسلام تلاش می‌کنند.

دستیابی به حیات طیبه و فراهم سازی زمینه تحقق حیات طیبه یکی دیگر از اهداف تربیت دینی است. «حیات طیبه به معنای زندگی پاک است و همچون طهارت، جمیع شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد، از پاکی و طهارت جسمی گرفته تا فکری، عقلی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. (۱۴)، دستیابی به حیات طیبه در سیره امام حسین (ع) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، تأکید امام (ع) بر تن به ذلت ندادن «أَنْتَ لَا أُعْطَى الدِّينِيَّةَ مِنْ نَفْسِي أَبَدًا» (۱۵) و اعراض از تبعیت انسانهای دون مایه‌ای نظیر یزید در جایی که می‌فرمایند: «ما خاندان پیامبر (ص) و کانون رسالت هستیم و آستانه ما محل رفت و آمد فرشتگان است، دفتر هستی به وسیله ما باز می‌شود و صراط کمال به وسیله ما ختم می‌گردد، یزید مردی فاسق شرابخوار، آدم‌کش و جنایتکار آشکار و گستاخ است و مثلی لا یبایع بمثله، شخصی مثل من با فردی مثل او بیعت نمی‌کند». (۱۶)، مبین این نکته اساسی است که واقعه عاشورا در راستای تحقق حیات طیبه امام و امت اسلامی به وقوع پیوسته است.

قرب و اوج آن یعنی رضوان، هدف غایی تربیت دینی است «هر قدر توجه انسان به خدا عمیقتر و پایدارتر باشد و به هر میزان که انسان بیشتر احساس حضور در محضر خدا را داشته باشد، قرب افزونتری ایجاد می‌شود». (۱۷)

هدف غایی تربیت دینی در سیره امام حسین (ع) و به طور ویژه در جریان واقعه عاشورا دست یابی به قرب الهی است. از همین رو امام (ع) در آغاز حرکت خود به سوی عراق مردم را مورد خطاب قرار داده می‌فرماید: «هر که تصمیم ملاقات با خدا دارد با ما کوچ کند». (۱۸)، قرب الهی در سایه توجه عمیق و همیشگی به ذات اقدس الهی حاصل می‌شود رویکردی که در سراسر زندگی امام حسین (ع) خاصه در جریان واقعه عاشورا مشهود است. جمله ایشان پس از شهادت حضرت علی اصغر (ع) مبین تحقق هدف غایی تربیت دینی یعنی قرب الهی در وجود ایشان است «أَهْوَنَ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بَعِينِ اللَّهِ». (۱۹)

سیره امام حسین (ع) و اصول تربیت دینی

در این بخش، مباحثی که در سیره امام حسین (ع) به عنوان اصول تربیت دینی مشاهده می‌شود بررسی، مطرح و تبیین می‌گردد. انسان موجودی است که در تعامل با جامعه و روابط و مناسبات اجتماعی رشد می‌کند. بنابراین تربیت دینی در صورتی به اهداف متعالی خویش خواهد رسید که از تعاملات انسان با سایر انسانها غافل نباشد. در جریان این ارتباط دو سویه است که از یک سو انسان از دیگران اثر می‌پذیرد و از سوی دیگر منشأ تغییر دیگران می‌گردد. در جریان عاشورا آموزه‌های تربیتی فراوانی در راستای ارتباط امام با دیگران وجود دارد که مبین اصول اساسی تربیت دینی است. بخشی از این اصول تربیتی که در راستای تحقق تربیت دینی و بر اساس مقتضیات زمان و مکان و ویژگیهای اختصاصی متربیان (یاران امام) به کار گرفته شده عبارتند از عفو و مثبت‌نگری در راستای هدایت انسانها، در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی، و عمل‌گرایی در جریان تربیت دینی.

مثبت‌نگری در راستای هدایت انسانها

انسان موجودی است که در والاترین درجه شرافت قرار دارد. همه چیز فرع اوست و او مسجود فرشتگان است «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» با این وجود مسیر پر فراز و نشیب زندگی و انتخابهای ناآگاهانه کرامت او را تضعیف می‌کند و او را در معرض تحقیر و تضعیف نفس قرار می‌دهد. البته توبه راهی است برای بازیابی کرامت نفس از دست رفته «کریم کسی است که از حرامها دوری گزیند و از عیبها پاک باشد». (۲۰)، فراموشی گذشته سیاه انسانها و پیش داوری نکردن در مورد آنها نیازمند نوعی مثبت‌نگری است. با دیده احترام به انسانها نگرستن و پرهیز کردن از قضاوت‌های شتابزده‌ای که از عملکرد گذشته افراد نشأت می‌گیرد، اصل تربیتی مهمی است که کاربرد آن در مواجهه با نادمان نوعی بسترسازی تربیتی در راستای هدایت انسانهاست. امام حسین (ع) به عنوان یک مربی آگاه ضمن توجه به این اصل مهم با به کارگیری شیوه‌های تربیتی مناسب زمینه را برای هدایت افراد فراهم می‌کردند. ملاک امام برای مواجهه با توبه‌کنندگان عملکرد صحیح ایشان در زمان حال بود نه اعمال گذشته آنها. نمونه بارز مواجهه امام با توابعین مواجهه ایشان با حُر است. «محمد بن ابوطالب و صاحب کتاب مناقب و ابن اثیر که به گفته همه متقارب است می‌گویند: حُر نزد امام حسین (ع) آمد و گفت: یا بن رسول الله! من اول کسی بودم که به تو خروج کردم. به من اجازه بده تا در جلو تو اولین قتیل باشم و اولین کسی باشم که فردای قیامت با جد تو مصافحه نمایم». (۲۱)، امام (ع) در برخورد با حُر هیچ اشاره‌ای به اعمال گذشته حُر و ممانعت وی از حرکت اهلیت نمی‌نماید و در جواب حُر که نگران بخشوده شدنش توسط امام است

Archive of SID

می‌فرماید: «توبه‌ات را خدا قبول کند فرود آی». (۲۲)، عکس‌العمل امام نسبت به حُر در نگاه اول حاکی از نوعی مثبت‌نگری است. زیرا کوچکترین اقدام و یا حتی جمله‌ای که حاکی از سوء ظن در برخورد اولیه امام (ع) با حُر به عنوان یکی از سرداران سپاه دشمن، در تاریخ گزارش نشده است. امام (ع) حُر را با آغوش باز می‌پذیرد. سیره عملی امام در جریان حادثه کربلا مبین این اصل مهم در تربیت دینی است که گذشته افراد هر چقدر هم سیاه باشد قابل چشم‌پوشی است و به محض پشیمانی افراد و عزم آنها در جبران خطاها باید گذشته سیاه آنها را فراموش کرد. «بخشش کینه‌ها را از میان می‌برد». (۲۳)، همین عفو و گذشت است که باعث می‌شود امام، حُر را با آغوش باز بپذیرد و در هنگام شهادت بر بالین او حاضر شده با ظرافتی بسیار در گفتار، عملکرد او را مورد تأیید و تحسین قرار دهد. امام ضمن اشاره به مفهوم لغوی اسم حُر از یک سو اقدام مادر حُر را در انتخاب نامی زیبا برای فرزندش تحسین می‌کند و از سوی دیگر حُر را به عنوان آزاد مردی که در آخرین لحظات خود را از فشار روانی حاکم بر سپاه عمر سعد رها کرد و آزادانه به ندای حق گوش فرا داد ستایش می‌کند.

در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی

هر چند پرداختن به بحث تفاوت‌های فردی در عرصه تعلیم و تربیت از دیرباز مطرح بوده اما توجه جدی به آن در سده‌های اخیر صورت گرفته است. این در حالی است که در آموزه‌های دینی این مسئله از همان ابتدا به عنوان یک اصل اساسی مد نظر قرار گرفته است در آیه ۲۸۶ سوره بقره این موضوع صراحتاً بیان شده است: «لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایی‌اش، تکلیف نمی‌کند. آیات ۲۳۳ بقره، ۵۲ انعام و ۴۲ اعراف نیز بیانگر اهمیت تفاوت‌های فردی در اسلام است. متناسب‌سازی تکالیف دینی با شرایط جسمی و حتی موقعیت مکانی و زمانی افراد بیانگر کاربردی شدن این اصل کلی در رویکرد تربیتی دین اسلام است. این اصل مهم از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که امام حسین (ع) در سخت‌ترین شرایط از آن غافل نمی‌شود و با در نظر گرفتن احوالات یاران خود بیعت خود را از برخی از آنها به طور اختصاصی بر می‌دارد به عنوان نمونه امام (ع) وقتی شنید که پسر محمد بن بشیر حضرمی در سرحد ری اسیر شده است به او فرمود: «خدا تو را رحمت کند من بیعت خویش را از تو برداشتم تو برو در تلاش آزاد کردن پسرت باش». (۲۴)، امام با بصیرتی فراوان با ملاحظه وضعیت روحی محمد بن بشیر در سخت‌ترین شرایط که از دیدگاه استراتژیست‌های جنگی وجود یک نفر نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است بیعت خویش را از او بر می‌دارد. از دیدگاه امام آرامش روحی افراد در هنگام انتخاب راه و در پی آن نبرد از اهمیت فراوانی برخوردار است. بنابراین امام با توجه تفاوت‌هایی که در پی برخی حوادث در روحیه افراد ایجاد می‌شود بیعت خود را از آنها را برمی‌دارد این اقدام امام نمود بارز توجه به اصل تفاوت‌های فردی در جریان تربیت دینی است.

عمل‌گرایی

یکی از بزرگترین آفتهای تربیت دینی فقدان عمل‌گرایی در این عرصه است. تلاش در جهت نهادینه کردن رفتارهای دینی در سایر افراد امری است پسندیده اما ترغیب و تشویق دیگران برای دین‌گرایی بدون محقق شدن این رفتارها در سیره عملی شخصی نتیجه چندانی به دنبال نخواهد داشت. «قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (انعام/۱۳۵) عمل‌گرایی در عرصه تربیت دینی از یک سو آزمون‌ی برای سنجش اعتقادات قلبی افراد محسوب می‌شود و از سوی دیگر الگویی است کارآمد برای دیگران. عملکرد امام حسین (ع) در وقایع عاشورا بیانگر این اصل مهم است که ایشان فرایض و دستورات دین را به حوزه اندیشه محدود نکرده‌اند، بلکه آن را در سیره عملی خود متبلور ساخته‌اند، برای مثال تأکید امام بر نماز و عبادت تنها در محدوده کلام باقی نمی‌ماند، بلکه در عبادت‌های ایشان در شب عاشورا و نماز ظهر عاشورا متجلی می‌شود و تأکید ایشان بر عفو و گذشت در زمان قدرت در مواجهه ایشان با حُر و بخشش او به عمل تبدیل می‌گردد «اعفی النَّاسُ مِنْ عَفَا عَنْ قَدْرَتِهِ». (۲۵)

